

راه چاره کارگران سبلان پارچه کدام است؟

کمیته هماهنگی

سه شنبه هشتم بهمن ۱۳۸۷



تا به حال چند بار در خبرها با ذکر نام و نشان کارخانه ها خوانده ایم که بخش اعظم مراکز و تولید استان اردبیل تعطیل شده اند یا در معرض بسته شدن کامل قرار دارند. با

تعطیلی زنجیروار مراکز کار در این استان دهها هزار کارگر کار خویش را از دست داده اند و سیل بیکارسازی در همه جا جاری است. کارخانه عظیم سبلان پارچه نیز یکی از این واحدها است. ۶۰۰ کارگر کارخانه ۶ ماه تمام است که هیچ ریالی دستمزد دریافت نکرده اند. آنان در همه این مدت دست به کار مبارزه برای حصول مطالبات خود بوده اند. یک راه پیمائی اعتراضی بزرگ در مسافتی طولانی میان کارخانه و محل کار استاندار ترتیب داده اند، بارها تهدید به اعتصاب کرده اند، اما سرمایه داران و نهادهای دولتی با وعده و وعید آنان را به ادامه کار مجبور ساخته اند. نساجی سبلان پارچه در مرداد ماه سال پیش به دنبال سال ها کار و تلاش و مرارت شبانه روزی هزاران کارگر به راه افتاد. شخصی به نام حجازی نیا که سرمایه دار صاحب کارخانه است برای ایجاد این مؤسسه عظیم صنعتی هیچ ریالی خرج نکرده است. او صاحب میلیاردها میلیارد تومان سرمایه شد، بدون اینکه شاخ ملخی را از هم باز کرده باشد. ۹۰٪ کل هزینه ساختمان شرکت، ماشین آلات خریداری شده، مخارج نصب، هزینه حمل و نقل و در یک کلام کل سرمایه هائی که برای راه اندازی و شروع کار شرکت لازم بود توسط بانک های دولتی و از حاصل مستقیم کار و استثمار توده های کارگر به وی اهداء شد. او یک غول بزرگ نساجی را به مالکیت خود در آورد و ریال، ریال سرمایه آن را از دولت سرمایه داران به صورت هدیه و زیر نام وام دریافت کرد، از نوع وام هائی که هیچ گاه پرداخت نمی شوند و اگر هم در سطحی پرداخت گردند هر ریال آن با صدها ریال اضافه ارزش یا سود جدید تولید شده توسط کارگران جبران گردیده است. حجازی نیا پس از راه اندازی کارخانه سبلان پارچه سوای کوه عظیم وام هائی که گفته شد، یک وام عظیم ارزی دیگر به مبلغ ۱۴۳ میلیون یورو (حدود ۲۰۰ میلیارد تومان) از بانک ها گرفت. او بر اساس آنچه همه می گویند به محض گرفتن این وام، به کارخانه باز نگشت، یک راست به سراغ سرمایه گذاری های بسیار پرسودتر در حوزه های سرمایه گذاری های دیگر رفت. محصولات تولیدی کارخانه با قیمت مطلوب و سود بسیار سرشار به بازار عرضه شد اما سرمایه دار شرکت هیچ گاه هیچ ریالی از آن را برای تهیه مواد خام جدید هزینه نکرد، بلکه کل عایدات ناشی از فروش را به حوزه های جدید و پرسودتر سرمایه گذاری های خویش منتقل ساخت. حجازی نیا از همان آغاز، مصادره طولانی مدت دستمزد کارگران را نیز راهی برای تکمیل پیش ریز

هر چه کلان تر سرمایه در عرصه های اخیر تشخیص داد. ایشان در کل مدت کار کارخانه از آغاز تا امروز سه بار بیشتر به کارگران حقوق نداده است که آخرین بار آن ۶ ماه پیش بوده است. ۶۰۰ کارگر کارخانه سبلان پارچه اینک ۶ ماه تمام است که بدون هیچ دستمزدی کار می کنند. دنیای بدهکاری ها، هول و هراس و وحشت از دیدن قیافه طلبکاران، گرسنگی فاجعه بار و مرگ آفرین زن و فرزندی، شکایت صاحبخانه ها و هجوم نیروی پلیس و تخلیه اجباری و حقارت آمیز و مالامال از خفت خانه های استجاری، بیابان خوابی و آلودگی نشینی افراد فامیل و همه سیه روزی ها و ذلت ها و حقارت های دیگر تار و پود وضعیتی است که برای اینان، این بردگان مزدی نفرین شده زمین سرمایه نام زندگی به خود گرفته است. در سوی دیگر این ماجرا البته سرمایه دار کارخانه و شرکای او هستند که به همه آنچه می خواسته اند دست یافته اند. حجازی نیا صاحب میلیاردها میلیارد تومان سرمایه شده است و کوه عظیم سودهایش سقف کهکشان ها را شکاف می زند. مشاهده این صحنه بسیار غم انگیز است اما خوردن غصه و فشردن زانوی غم در سینه حلال هیچ مشکلی نیست. آنچه روی داده است از همه جهت قابل تأمل و فکر کردن است. روشن است که این رویداد صرفاً گوشه بسیار کوچک و ناپیدائی از پهندشت بیکران رخدادهایی است که روز به روز و ساعت به ساعت با همین شکل و همین ابعاد و شاید بسیار هولناک تر و غم انگیز تر در چهارگوشه جهنم سرمایه داری ایران روی می دهد. این وضع واقعاً قابل دوام نیست. باید تغییر یابد و برای تغییر آن باید همگی دست به کار شویم. باید دست به دست هم داد، متحد شد، خود را به صورت شورائی و ضد سرمایه داری سازمان داد. برای لحظه ای به این بیاندیشیم که کارخانه را ما ساختیم، بنای پر عظمت کارخانه را همزنجیران ما، کارگران بخش ساختمان بر پا کردند، آنان بودند که در سرمای ۳۰ درجه زیر صفر زمستان اردبیل با دستان یخ زده و خون منجمد در رگ ها سنگ سنگ بنا را بر روی هم گذاشتند و بالا بردند. مصالح ساختمان کارگاهها را همسرنوشتان ما تولید کردند، کارگرانی که خود و کودکان خردسال و زنان باردار و مادران پیرشان برای لقمه نانی ناچیز شب ها و روزها در همان سرمای کشنده زمستان ها در بیغوله های نمور اطراف کوره ها بدون داشتن هیچ نوع امکانات زندگی کردند و هر روز دو شیفت برای تولید مصالح جان کردند. کارگرانی که در همین امسال قوای سرکوب سرمایه درخواست آنان برای چند ریال افزایش دستمزد را با تفنگ و تهدید و بستن آب و قطع برق و خاموش ساختن حمام ها پاسخ گفتند. حمل و نقل مصالح مورد نیاز بنای ساختمان کارخانه نیز با دست ما و با دست همزنجیران ما انجام گرفت، ماشین آلات را بردگان مزدی همرنج و هم طبقه و همزنجیر ما در کارخانه ها و شهرها و کشورهای دیگر ساختند، آنان در جریان تولید این ماشین ها و ابزار ها با شدت تمام استثمار شدند و در قبال هر تومان دستمزدها صدها تومان سود و سرمایه برای سرمایه داران تولید کردند. مواد خام و پنبه و پشم و همه مصالح خط تولید کارخانه را نیز افراد طبقه ما تولید کردند، ما بودیم که مواد خام را به پارچه تبدیل نمودیم، ما بودیم که ریسیدیم، ما بودیم که بافتیم، حمل کردیم، به بازار بردیم. کل سرمایه ها محصول کار و استثمار ما است. برای لحظه ای فکر کنیم. ما که همه کارها را کرده ایم، ما که هر چه هست و نیست را با دستان خویش ساخته ایم، ما که همه سرمایه ها را تولید کرده ایم چرا تا این حد در مقابل آنچه خود ساخته ایم ضعیف و خوار و مستأصل و حقیر و مقهوریم. چرا آنچه خود تولید کرده ایم در مالکیت دیگران بر همه چیز ما حکم می راند؟ برای لحظه ای فکر کنیم. سرمایه دار کیست؟ او صاحب سرمایه است، سرمایه در کجا تولد یافته است و از زهدان چه کسی متولد گردیده است؟ مگر نه این است که حاصل کار و استثمار ماست؟

مگر نه این است که مولود مستقیم رنج و استثمار ما است، از زهدان کار و استثمار و رنج و بردگی مزدی ما متولد گردیده است. آقای حجازی نیا با تملک آنچه ما تولید کرده ایم، با تملک سرمایه است که سرمایه دار است. محصول کار و استثمار ما است که در خارج از حوزه دخالت و تأثیر و نفوذ ما خدای قاهر حاکم بر ما گردیده است؟ ما را بیکار می کند. ۶ ماه تا ۶ ماه بهای نازل نیروی کار ما را پرداخت نمی نماید. به راستی کجای این زندگی است؟! نه، این زندگی نیست، این منجلاب مرگ است. باید کاری کرد، باید خود را متشکل کنیم، باید شورائی متشکل شویم، باید شورائی بر ضد سرمایه و نظام سرمایه داری متشکل شویم، یک سؤال اساسی در اینجا این است. ما که کارخانه را با کار خود ساختیم، ما که در کارخانه ساخته شده با دست خود و همزنجیران خود شب و روز پارچه تولید کردیم، ما که همه کارها را کردیم چرا خودمان نمی توانیم همین کارخانه را اداره کنیم؟! چرا خودمان با اتحاد و تشکل و تشکیل شورای خودمان نتوانیم کار و تولید شرکت را برنامه ریزی کنیم؟! چرا ۲۰۰ میلیارد تومان سرمایه حاصل کار و استثمار ما را حجازی و حجازی ها باید زیر نام وام دریافت دارند و از طریق آن ما را و هزاران همزنجیر دیگر ما را استثمار کنند. چرا او باید ۲۰۰ میلیارد تومان را با استثمار ما به تریلیون ها تبدیل کند و چرا نباید خود ما با اعمال قدرت و اتکاء به اتحاد و توان متشکل شورائی خویش آنچه را که خود تولید کرده ایم از دست دولت سرمایه باز پس گیریم و برای تهیه مواد خام و برنامه ریزی تولید کارخانه به کار اندازیم. آیا این کارها ممکن نیست؟! چنین آیه ای از کدام آسمان نازل گشته است و توسط کدام پیغمبر دروغین به ما ابلاغ گردیده است؟! این یک پرسش بسیار مهم و واقعی و اساسی است. به راستی چرا فکر می کنیم انجام این کارها ممکن نیست؟! می دانید چرا؟ برای این سؤال پاسخ های زیادی وجود دارد. اولین جواب این است که نظام اجتماعی موجود، همان نظام سرمایه داری، همان رابطه خرید و فروش نیروی کار، همان رابطه استثمار ما، همان رابطه تولید سود و سرمایه از زمین و آسمان، در بند وجود خود، به ما القاء می کند که ما ضعیف و زبون و مقهوریم، به ما می گوید که برده مزدی آفریده شده ایم، کارگریم و حق این نوع اندیشیدن ها، حق احساس قدرت، حق مخالفت با سرمایه و نظام سرمایه داری، حق تعرض به حریم قدرت سرمایه، حق جنگیدن علیه استثمار سرمایه داری را نداریم. سرمایه در همه تار و پود وجود خود، در کل شرائطی که بر زندگی و اندیشیدن و مسیر نگاه ما حاکم ساخته است، در آموزش ها، در فرهنگ، ادبیات، مذهب، باورها و اعتقادات، در روزنامه ها، رادیوها و تلویزیون ها و همه رسانه ها و در یک کلام در همه جا این تفکر مسموم بسیار مخرب را به ما القاء و تزریق می کند. همه جا در مغز ما فرو می نماید که گویا ما آفریده شده ایم تا کارگر باشیم، از این بدتر در مغز ما حفته می کند که ما کار می کنیم و بهای کار خود را می گیریم!!!! این بزرگترین دروغ تاریخ زندگی انسان است. سرمایه دار اگر ما را به کار گیرد، صرفاً و صرفاً نیروی کار ما را خریداری می کند، او نیروی کار ما را عیناً مثل یک کالا می خرد، او این نیرو را می خرد تا برای تولید سود و سرمایه به کار اندازد، آنچه در قبال این نیرو به ما پرداخت می کند در بهترین حالت و در حداکثر میزان خود، بهای خورد و خوراک و معاشی است که ما برای بازتولید همین نیرو و فروش مجدد آن احتیاج داریم. الان در اینجا جای این بحث نیست و بیشتر به آن نمی پردازیم، در جاهای دیگر، از جمله در همین سایت به زبان ساده پیرامون آن توضیح داده ایم، سرمایه دار در قبال هر ریال دستمزد یا بهای نیروی کار که به ما پرداخت می کند، چندین برابر و گاه چندین ده برابر کار انجام یافته ما را خودش به صورت سود یا اضافه ارزش تصرف می کند و به سرمایه تبدیل می نماید،

منظور از این اشاره این است که سرمایه و نظام سرمایه داری همه چیز را وارونه در ذهن ما القاء می کند به ما می گوید که کارگریم و فروشنده نیروی کاریم و مزد می گیریم و باید همیشه هم کارگر و مزدبگیر و فروشنده نیروی کار باشیم. زیر فشار این وارونه بافی ها و القائات است که ما کمتر جسارت تعرض علیه حریم قدرت سرمایه را به خود می دهیم. این توهنات و دروغ ها و خرافه ها را باید به طور کامل دور ریزیم. این ها زنجیرهائی است که بر دست و پای ماست و قدرت پیکار ما علیه سرمایه را به بند می کشد.

دلیل دیگری این که این وضع را تحمل می کنیم و پیکار برای تغییر وضعیت دردناک حاضر را دشوار یا محال می پنداریم، سرکوب مستمر و بی امانی است که سرمایه علیه ما اعمال می کند، هر اعتراض ما قلع و قمع می شود، هر نفس ما در گلو خفه می گردد، هر خیزش ما علیه استثمار و شدت استثمار سرمایه گلوله باران می شود، زیر فشار جنایت و شرارت هار و سرکوب دولت سرمایه داری ما مجبور به عقب نشینی می گردیم، انتظارات ما پائین می آید، جسارت پیکار توده های همزنجیر ما تا حدودی افت می کند، افق رهایی ما از دسترس فکر و مبارزه روزمره مان دور می گردد. دیکتاتوری و خفقان و حمام خون و سرکوب نقش بسیار مؤثری را در انداختن ما به حالت استیصال و ضعف بازی می نماید.

عوامل بالا در تلقین فروماندگی و ضعف و زبونی در ما بسیار اثرگذارند. بر روی عقب نشینی و کاهش قدرت تعرض ما علیه سرمایه بسیار تأثیر دارند اما عوامل بسیار مضر و مخرب دیگری نیز هستند که این ها را تکمیل می کنند. افراد و گروههائی از درون جنبش جاری ما یا از بیرون آن به طور مرتب به ما هشدار می دهند که برای بهبود زندگی خویش و برای گرفتن مطالبات خود باید با سرمایه داران و با دولت آن ها حرف بزیم، باید به قانون روی کنیم و مبارزه قانونی بنمائیم، باید حریم قدرت قانون سرمایه را مقدس بشماریم، باید برای متشکل شدن حتماً به قانون سرمایه رجوع کنیم، باید در صورت اجازه دولت سرمایه داری دست به کار ساختن سندیکا و تشکل های صنفی قانونی گردیم و فراوان حرف های پوچ و مزخرف و گمراه کننده دیگر از این دست که به ما تحویل می دهند. این حرف ها، دسیسه ها و عوامفریبی ها یا آنچه که جریانات سندیکالیستی می گویند و انجام می دهند نیز سلاح کارساز دیگری است که یگراست به سینه فکر و چاره گری و ابراز حیات نیرومند و جسارت و توان اعمال قدرت ما علیه سرمایه شلیک می گردد. این ها درست همان را می گویند و همان آشی را برای ما می پزند که سرمایه می گوید و سرمایه داران یا حداقل شماری از سرمایه داران و دولتمردان نظام سرمایه داری می خواهند. چکیده گفتگوی این جماعت آن است که نظام سرمایه داری به قول معروف «آش و کشک خاله است، بخوری با تو است نخوری هم با تو است»!! فروش نیروی کار تقدیر محض همیشگی ما است و تنها کاری که می توانیم انجام دهیم آویختن به سرمایه داران و اطاعت از دولت سرمایه داری و توسل به قانون و حقوق و نظم دلخواه سرمایه و سرمایه داران است!! فقط از این طریق می توانیم در زندگی خویش اگر را به مگر تبدیل کنیم! و کار دیگری از دستمان ساخته نیست. عده ای از سندیکالیست ها از همه همکیشان خود مزورتر و حقه بازتر و دروغگوترند. این ها به صورت بسیار کثیف و شنیعی سندیکالیست بودن خود را هم از ما می پوشانند. فریاد می زنند که ما هم مخالف دولت سرمایه داری هستیم، ما هم می گوئیم باید به زور خودمان و بدون اجازه دولت سرمایه داری متشکل شویم و مبارزه کنیم و حقوق خود را باز گیریم و از این دروغ ها که بر سر هرکوی و برزنی جنجال می کنند. اما این ها آدم های بسیار دغلکاری هستند، تمام

تلاش آنان همان سندیکاسازی قانونی و دور کردن ما از هر نوع اعمال قدرت مستقل طبقاتی و ضد سرمایه داری است. دشمنان اعمال قدرت و جسارت پیکار ما علیه سرمایه یکی، دوتا نیستند، از سندیکالیست ها که بگذریم باز هم آدم ها و محافل و احزاب و گروههای زیاد دیگری وجود دارند که کمتر از آنان به ما لطمه نمی زنند و کمتر از سندیکالیست ها با سرمایه خدمت نمی کنند. راه دوری نرویم، در همین کارخانه ای که کار می کنیم و در شهر و دیار و منطقه ای که زندگی می کنیم کمی به اطراف نگاه اندازیم. عده ای از همه سو ما را در محاصره گرفته اند و پشت سر هم در گوش ما زمزمه می کنند که هر چه مشکل داریم به خاطر آن است که سرمایه دار صاحب کارخانه مان، یا مدیر عامل و هیأت رئیسه کارخانه و گردانندگان شرکت ترک نیستند و فارس می باشند!! این ها موجودات بسیار خطرناک و مضر می باشند، البته چه بسا از سر حماقت و ناآگاهی است که این یاوه ها را به هم می بافند اما به هر حال حرف ها و فکر و رهنمودهای آنان باز هم تیری است که به قلب قدرت متحد طبقاتی و ضد سرمایه داری ما شلیک می شود. این جماعت شب و روز از تفاوت میان فارس و ترک و کرد و لر و بلوچ و ضرورت صف آرائی آن ها در مقابل هم حرف می زنند!! این ها همان ناسیونالیست ها هستند، تمام تلاش و تقلائی آنان این است که ما کارگران به جای اینکه در یک صف، به عنوان یک طبقه، به عنوان توده های همسرنوشت فروشنده نیروی کار، به عنوان بردگان مزدی سرمایه علیه استثمار سرمایه داری و علیه ستم و بی حقوقی و مظالم نظام سرمایه داری و برای نابودی این نظام متحد شویم، خودمان به جان هم افتیم و به خاطر محل تولدهای مختلف مان با همدیگر بجنگیم!!! آنچه اینان می گویند بیش از حد غیرواقعی و ابلهانه است و آنچه آنان می خواهند، درست همان است که سرمایه داران و دولت سرمایه داری و در یک کلام طبقه سرمایه دار یا دشمنان تا بیخ دندان مسلح ما آرزو می کنند. سخن گفتن از فارس و کرد و ترک و بلوچ و عرب تزریق آگاهانه یا سفاهت آمیز زهری به پیکر اتحاد طبقاتی و اعمال قدرت متحد طبقه ما علیه سرمایه است. ما کارگران، ما بردگان مزدی سرمایه، همگی در هر کجا که متولد شده ایم، آذربایجان، یا بلوچستان، خوزستان یا کردستان، تهران یا لرستان، آسیا یا امریکا، اروپا یا افریقا یا اقیانوسیه، قطب شمال یا جنوب یا خط استوا یا هر کجای دیگر افراد یک طبقه اجتماعی واحد هستیم. همگی فروشنده نیروی کاریم، همگی توسط سرمایه استثمار می شویم، همگی به اعتبار کارگر بودن و فروشنده نیروی کار بودن از هر نوع قدرت و حق و حقوق و دخالت در تعیین سرنوشت کار و تولید و زندگی خویش محروم هستیم. سرمایه داران هم در سراسر دنیا طبقه واحدی هستند. اختلاف آنان، حتی جنگ های آنان با هم صرفاً بر سر چگونگی تقسیم اضافه ارزش ها و سودهایی است که ما تولید کرده ایم. دنیای موجود دنیای تقسیم شده به کردستان و آذربایجان و فارس و خوزستان و بلوچستان و آسیا و اروپا و امریکا و افریقا یا استرالیا نیست. دنیای حاضر دنیای صف آرائی و جدال و جنگ میان دو طبقه اجتماعی است. طبقه ای که فروشنده نیروی کار است، برده مزدی سرمایه است، اضافه ارزش ها و سودها و سرمایه ها را تولید می کند اما سوای نیروی کار کم بها و بی بهای خود هیچ چیز ندارد، استثمار می شود، از هر حق و حقوق اجتماعی و انسانی ساقط است. در مقابل ما طبقه کارگر، طبقه صاحب سرمایه یا سرمایه داران و دولت های آن ها قرار دارد. اینکه سرمایه دار ترک است یا فارس است، آسیائی است یا امریکائی برای ما به طور کامل بی تأثیر است. آنانکه تلاش دارند تا جنگ میان ما و نظام سرمایه داری را با جنگ میان بخش های مختلف ما توده های برده مزدی جایگزین سازند عملاً ما را و جنبش ما را به سرمایه داران می فروشند و قدرت طبقه ما را گلوله توپ سرمایه

داران و نظام سرمایه داری علیه خود ما و توده های طبقه ما می سازند.

همزنجیران!

اگر فکر می کنیم که تصرف کارخانه و برنامه ریزی کار و تولید آن توسط خود ما توده های کارگر مقدر و نیست به خاطر آن است که ما سال های سال و نسل بعد از نسل زیر فشار کوه عظیم توهم آفرینی های نظام سرمایه داری، زیر فشار قدرت سرکوب سرمایه، زیر فشار فرمیسم راست سندیکالیستی، زیر فشار توهم بافی فرقه های چپ نمای مدعی رهبری و نجات ما، زیر فشار جریانات گنبدیده ناسیونالیستی و زیر فشار بسیاری عوامل اجتماعی و طبقاتی دیگر به این نوع فکر کردن و به این شکل احساس عجز و فروماندگی سقوط کرده ایم. ما قدرت بسیار عظیم و دگرگونسازی هستیم. باید این قدرت را بشناسیم، باید فکر کنیم، آگاه شویم، باید راه و رسم مبارزه و افق جنبش عظیم خود را روشن سازیم. ما می توانیم دست به دست هم دهیم، شورای ضد سرمایه داری خود را ایجاد کنیم، مطالبات پایه ای ضد سرمایه داری خود را سنگر روز مبارزه کنیم. ما می توانیم از درون شورائی که بر پای می داریم برای پیشبرد مبارزات مان با همفکری شورائی برنامه ریزی نمائیم، دست در دست هم به سراغ همه همزنجیران خویش در سراسر ایران و دنیا برویم، ما اگر چنین کنیم قدرت شکست ناپذیری خواهیم شد و این قدرت شکست ناپذیر را علیه سرمایه و نظام سرمایه داری به صف خواهیم کرد. ما می توانیم در جریان انجام این کارها و پیشبرد این مبارزات و به عنوان لحظه ای از این صف آرائی ها و خیزش ها و پیکارها کارخانه سبلان پارچه را تصرف کنیم و از طریق شورای خویش برنامه ریزی کار و تولید آن را به دست گیریم.

حول منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر متحد شویم

برای جلوگیری از بیکاری، کارخانه های در حال تعطیل را به تصرف خود در آوریم

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۸ بهمن ۱۳۸۷

<http://www.hamaahangi.com>

khbitkzs@gmail.com